تذكرة الوفا - جناب حاجی مهدی يزدی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### جناب حاجی ملّا مهدی يزدی – تذكرة الوفاء - اثر حضرت عبدالبهاء

## جناب

## حاجی ملّا مهدی يزدی

## ﴿ هو اللّه ﴾

و از جمله مهاجرين جناب حاجی ملّا مهدی يزدی است \* اين شخص کامل فاضل هر چند بظاهر از اهل علم نبود ولی در تتبّع احاديث و اخبار ماهر و در تفسير آيات لسانی ناطق داشت و قوّه غريبی در عبادت مشهور بتزهّد بود و معروف بتهجّد قلبی نورانی داشت و جانی ربّانی \* اکثر اوقات خويش را بقرائت ادعيه و نماز و عجز و نياز ميگذراند کاشف اسرار بود و محرم ابرار لسان بليغ در تبليغ داشت و در هدايت ناس بی اختيار بود و احاديث و آيات را مسلسل روايت مينمود \*

باری، چون در شهر شهير شد و متّهم باين اسم در نزد امير و فقير پرده کتمان دريد و رسوا بآئين جديد \* علمآء سوء در يزد بر او قيام نمودند و فتوی بر قتلش ميدادند \* ولی چون حضرت مجتهد حاجی ملّا باقر اردکانی با علماء ظلمانی موافقت ننمود عاقبت بخروج از وطن مجبور گرديد \* با دو پسر خويش حضرت شهيد مجيد جناب ورقاء و جناب ميرزا حسين عزم کوی جانان نمود ولی بهر شهری که مرور نمود و بهر قريه ئی که عبور کرد زبان فصيح بگشود و تبليغ امر اللّه نمود اقامه حجّت و برهان کرد و ادلّه لائحه واضح و آشکار نمود روايت احاديث و اخبار کرد و تفسير و تأويل آيات بيّنات نمود دقيقه ئی فرو نگذاشت ساعتی آرام نگرفت رائحهء عطر محبّت اللّه منتشر نمود و نفحات قدس بمشامها رساند ياران را تشويق مينمود و تحريص ميکرد تا بهدايت ديگران پردازند و گوی سبقت از ميدان عرفان بربايند \*

باری، شخصی جليل بود و توجّه بربّ جميل داشت از نشئه اولی در دار دنيا فراغت داشت و جميع همّت مصروف بلوغ موهبت در نشئه اخری بود قلب نورانی بود و فکر روحانی و جان ربّانی و همّت آسمانی در راه اسير بلاء بود و در طی صحرا و صعود و نزول کوهها در مشقّت بی منتهی ولی از جبين نور هدی نمايان و در دل آتش اشتياق در فوران \* لهذا با کمال سرور از حدود و ثغور مرور نمود تا آنکه به بيروت رسيد بيمار و بيقرار ايّامی چند در آن شهر اقامت نمود \* آتش شوق شعله افروخت و دل و جان چنان بهيجان آمد که با وجود عليلی و بيماری صبر و شکيب نتوانست پياده عزم کوی جانان نمود چون موزه درستی در پا نبود زخم و مجروح شد شدّت مرض مستولی گشت تاب و توان حرکت نماند \* با وجود اين بهر قسمی بود خود را بمزرعه رساند و در جوار قصر مزرعه بملکوت اللّه صعود نمود و جان بجانان رسيد و طاقتش از صبوری طاق شد و عبرت عشّاق گشت و جان در طلب نيّر آفاق بباخت \* جرّعه اللّه کأسًا دهاقًا فی جنّة البقاء و تلئلأ وجهه نورًا و اشراقًا فی الرّفيق الاعلی و عليه بهاء اللّه \* قبر مطهّرش در مزرعه عکا واقع \*